

گفت‌وگو با رضا غلامی، رئیس دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فارابی

علوم انسانی برای طراحان نقشه علمی ارزش نداشته است

اختلاف نظرات را پذیرفت، باید به نقدپذیری و ارزیابی پذیری آثار علمی هم قائل بود. نمی‌توان قبول کرد محقق بگوید اثر علمی من قابل بررسی نیست یا هیچ کس به جز خودم یا معدود همفکرانم اجازه جراحی اثر من را ندارند! این نوع تفکرات ما را به بن بست می‌رساند.

آیا به نظر شما بخش بین الملل جشنواره فارابی با استقبال کافی از سوی محققان و اساتید دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی خارجی روبه‌رو می‌شود؟
خیر، متأسفانه در سال‌های گذشته نه بودجه‌ای برای تبلیغ جشنواره اختصاص یافته و نه برنامه روشنی برای این منظور تهیه شده است. با این وصف، طبیعی است که جشنواره فارابی به جز عنوان بین‌المللی، نسبت واقعی با یک جشنواره بین‌المللی ندارد. ما در دوره مدیریتی جدید قصد داریم این نقیصه را در حد وسیع خودمان و ظرفیت کشور جبران کنیم. البته این راه هم تأکید کنیم که جمهوری اسلامی در علوم انسانی و اجتماعی هنوز به عنوان قطب علمی در دنیا یا جهان اسلام شناخته نمی‌شود و به تبع آن، ارتباط و تعامل علمی در ایران در حد صفر قابل ارزیابی است و لذا نمی‌توان در چنین زیست‌بومی توقع داشت، امکان شکل‌گیری یک جشنواره علمی بین‌المللی وجود داشته باشد.

به نظر جنابعالی چه جویز جدیدی می‌تواند در آینده به جشنواره بین‌المللی فارابی اضافه شود و آیا تدبیری در این زمینه وجود دارد؟
به نظر من، ما باید در جشنواره، روی نوآوری و نظر به پداری تمرکز ویژه‌ای داشته باشیم. همچنین روی نقدهای روشمند علمی، علاوه بر این، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری در جلسه شورای سیاست‌گذاری جشنواره پیشنهاد دادند به مرجعیت علمی و به دبیرخانه علمی جایزه بدهیم که به تصویب هم رسید. همچنین در جلسه اخیر شورای سیاست‌گذاری قرار شد قطب‌های علمی را هم از سال بعد ارزیابی و به برترین قطب‌ها جایزه بدهیم. اینها تغییراتی است که در گام نخست در جشنواره‌های بعدی اعمال خواهد شد.

به عنوان آخرین پرسش، از نظر جنابعالی چه نوع حمایتی از محققان برجسته می‌تواند به تقویت فعالیت‌های علمی آنها منجر شود؟
هر محقق به ویژه اگر جوان باشد، به دنبال تکمیل پروژه فکری خود است و هیچ جایزه‌ای بهتر از ایجاد شرایط مساعد برای این امر نیست. امروز محققان برجسته و نخبه ما در محیط‌های دانشگاهی اسیر بروکراسی هستند و اگر آیین‌نامه ارتقای اعضای هیات علمی به آنها اجازه بدهد که به جای قرار گرفتن در مسیرهای یکنواخت، به تکمیل پروژه فکری‌شان بپردازند، مطمئناً ما هم مانند خیلی از کشورهای مطرح در علوم انسانی، حرف‌های نوآورانه و تحول‌آفرین در علوم انسانی خواهیم داشت. برخی از نوآوری‌های بزرگ در علوم انسانی محصول سال‌ها تفکر آزاد بوده است؛ محصول گفت‌وگوهای انتقادی وسیع بوده است؛ محصول مشاهدات گسترده اعم از فیزیکی و متافیزیکی بوده است. از طرف دیگر، برخی از نظریات مهم در علوم انسانی لزوماً در مقالات علمی و پژوهشی بروز و ظهور نیافته بلکه در یادداشت‌های متفرقه و کوتاه یک دانشمند و در مواردی سال‌ها پس از مرگ او عینیت یافته است. لذا خیلی باید مراقب بود که در مسیر تحول در علوم انسانی اقتضائات واقعی تحول گم نشود. با این وصف،

من معتقدم پس از شناسایی استعدادهای برتر یا نخبگان علوم انسانی باید از آنها برای تحقق اهداف علمی‌شان حمایت ادامه‌دار و ریسک‌پذیر کرد.

مادر ارزیابی‌های علمی، هنوز با مرز دانش علم‌سنجی در دنیا فاصله داریم؛ با این حال تلاش شده از طریق کار بست تجارب ارزشمند موجود در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و شکل‌گیری نوعی اجماع نسبی میان بزرگان جامعه علمی در کشور، شاخص‌هایی برای ارزیابی طرح‌های پژوهشی و نیز آثار و منشورات علمی مشخص شود. در جشنواره فارابی فعلاً همین شاخص‌ها البته با سختگیری مضاعف‌مبنای داوری‌های علمی است هر چند من اعتقاد دارم باید با گسترش دانش علم‌سنجی در علوم انسانی و بومی‌سازی آن، به شیوه‌های به مراتب دقیق‌تر و ارتقایافته‌ای برای ارزیابی و داوری آثار علمی دست پیدا کنیم.

چه رابطه‌ای میان حرکت این جشنواره و نقشه جامع علمی کشور وجود دارد؟

وجود نقشه علمی برای کشور مایه مسرت و خوشحالی است اما من معتقدم اولاً، مادر نقشه جامع علمی، فصل قابل‌اعتنایی برای علوم انسانی و اجتماعی نداریم. کانه علوم انسانی برای تهیه‌کننده‌های نقشه ارزش و اهمیتی نداشته است. ثانیاً، این نقشه نیازمند اصلاح و بازنگری است و لازمه آن، از یک سو، ارزیابی منطق و عقلانیت حاکم بر نقشه و از دیگر سو، مطالعه اثربخشی علمی نقشه طی سال‌های گذشته است.

نکته مهم در اینجا این است که نقشه علمی در هر دانش و در هر رشته‌ای، باید مولود نظرات خیرگان همان علم ورشته باشد و در یک زیست‌بوم طبیعی، آزادانه و انتقادی تهیه شده باشد. البته در میان متفکران، هستند کسانی که به دلایلی، رویکرد پروژه‌ای به علم را نمی‌پذیرند و تهیه نقشه را از آینده رویکرد پروژه‌ای با تفکر پراگماتیستی تحلیل می‌کنند. من از جمله کارشناسی بوده‌ام و هستم که نگاه بینابین دارم؛ یعنی از یک طرف آنارشیسم علمی را قبول ندارم و از طرف دیگر، زیاده‌روی در ریل‌گذاری علمی، آن هم در علوم انسانی که باید تنوع و تکثر نظرات به رسمیت شناخته شود را نمی‌پذیریم. لذا اینکه فرمودید، آیا میان خط کاری جشنواره و نقشه جامع علمی کشور رابطه‌ای هست، پاسخ من این است که اساساً ما در علوم انسانی چیزی به نام نقشه علمی نداریم، اگر هم روزی داشته باشیم، متناسب با ذات علوم انسانی، با نقشه سایر علوم متفاوت خواهد بود. در عین حال اگر منظور آن انطباق حرکت جشنواره با نیازهای روز کشور است، عرض می‌کنم که تا حد زیادی انطباق با نیازهای کشور مورد عنایت داوران جشنواره قرار می‌گیرد هر چند خود شناخت نیازها در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، یک کار علمی است نه به شکل دستوری و ابلاغی.

آیا فرآیند داوری آثار در جشنواره به اندازه کافی عادلانه و دقیق هست؟
نمی‌توانم بگویم صد درصد عادلانه و دقیق؛ چرا که مکانیسم‌های مورد اجماع در داوری‌های علمی، جلوی خطای اعمال سلیق داوران را کاملاً نمی‌گیرد. با این وجود اطمینان می‌دهم که نه تنها اراده دبیرخانه جشنواره بر رعایت عدالت و اعمال بالاترین سطح از دقت است، بلکه برای این منظور، مسیر دشواری طی می‌شود. نکته مهم این است که در جشنواره بین‌المللی فارابی، برجسته‌ترین اساتید هر رشته به عنوان داور انتخاب می‌شوند و سعی می‌شود با ایجاد چرخش در داوران، انحصار ایجاد نشود.

آیا جشنواره بین‌المللی فارابی از اساتید خارجی هم به عنوان داور استفاده می‌کند؟

به دلیل مضایق مالی و تفاوت هزینه داوری در ایران و بعضی کشورهای مطرح در ساحت علوم انسانی، تاکنون از داوران غیر ایرانی برای ارزیابی آثار استفاده نشده است. البته برای داوری آثار محققان ایرانی توسط داوران خارجی، مانع زبان هم وجود دارد و اگر داور خارجی زبان فارسی نداند عملاً امکان داوری منتفی است. با این حال، در نظر داریم برای آثار محققان غیر ایرانی که اثرشان به زبان‌های رایج دنیا تالیف شده است، از اساتید برجسته دانشگاه‌های دنیا خصوصاً اساتید دانشگاه‌های درجه یک کشورهای اسلامی استفاده کنیم.

چقدر جشنواره بین‌المللی فارابی قائل به آزاداندیشی و به رسمیت شناختن تنوع و تکثر افکار و آرای علمی است؟

من شخصاً به عنوان رئیس دبیرخانه دائمی جشنواره، قائل به آزاداندیشی و تنوع و تکثر اندیشه‌ها هستم و بنا دارم بیش از گذشته آن را ترویج کنم، اما معتقدم آزاداندیشی به معنای هر چه و مرج فکری یا ذوقی کردن پژوهش نیست. لذا در عین حال که باید آزاداندیشی و

بررسی کمیت و کیفیت آثار ارائه شده به سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی و نسبتی که این جشنواره با نقشه جامع علمی کشور و تحول بنیادین در علوم انسانی پیدا می‌کند؛ از جمله موضوعاتی بود که در گفت‌وگو با رضا غلامی، رئیس دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فارابی و رئیس موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به آن پرداختیم. وی معتقد است اگر چه شرایط کرونا بر فعالیت‌های دانشگاهی تأثیر منفی داشته اما به طور کلی آثار واصله به جشنواره از نظر کمی و کیفی قابل قبول است. غلامی تأکید می‌کند چیزی به نام نقشه علمی در علوم انسانی نداریم و اگر بناست روزی نسبتی بین این دو برقرار شود، این نقشه متناسب با ذات علوم انسانی، با نقشه سایر علوم متفاوت خواهد بود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

|||

ارزیابی جنابعالی از کمیت و کیفیت آثار ارائه شده در جشنواره سیزدهم چگونه است؟

باید قبول کرد طی سه سال اخیر، کرونا روی فعالیت‌های دانشگاهی از جمله برنامه‌های پژوهشی، تأثیرات منفی گذاشته است، با این وجود به نظر می‌رسد تعداد آثار واصله به سیزدهمین جشنواره یعنی حدود ۳۰۰۰ اثر علمی قابل پذیرش است. در عین حال، من معتقدم از یک سو به دلیل سرمایه‌گذاری ناچیز در ساحت پژوهش و از دیگر سو، به خاطر پایین بودن کیفیت فعالیت‌های پژوهشی در دو عرصه علوم انسانی و علوم اسلامی، اثر پژوهشی قابل ارائه به جشنواره عدد بالایی ندارد. البته این راهم می‌پذیریم که اگر اطلاع‌رسانی درباره جشنواره بین‌المللی فارابی افزایش پیدا کند و دانشگاه‌ها انگیزه بیشتری برای معرفی آثار استادان خود به جشنواره داشته باشند، نه تنها در حد ۳۰ درصد به عدد فعلی آثار افزوده خواهد شد بلکه کیفیت آثار واصله به جشنواره هم قدری بالاتر خواهد رفت.

آیا جشنواره بین‌المللی فارابی به اندازه کافی در محیط‌های علمی کشور شناخته شده و موجه است؟

جشنواره بین‌المللی فارابی عظیم‌ترین و معتبرترین جشنواره علمی در ساحت علوم انسانی و اسلامی در ایران و جهان اسلام است. امروز اغلب استادان و اکثر مراکز علمی و دانشگاهی داخل کشور، به جایگاه و ارزش این جشنواره واقفند. من شاهد هستم اساتیدانی که تاکنون اثر علمی‌شان در جشنواره برگزیده شده از منظر علمی خوبی نزد دانشگاه‌ها و نرد همکاران‌شان برخوردارند. با این حال به نظر من دو اشکال جدی وجود دارد: «اشکال اول این است که در ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور، برگزیده شدن آثار استادان یک مجموعه علمی در جشنواره بین‌المللی فارابی امتیاز بالایی ندارد؛ و اشکال دوم این است که امتیاز آیین‌نامه ارتقای اعضای هیات علمی به آثار منتخب در جشنواره ناکافی است.» البته این راهم بگویم که جویز فارابی هم به دلیل مشکلات مالی وزارت علوم باید بیش از این باشد که الحمدلله وزیر محترم در جلسه اخیر شورای سیاست‌گذاری جشنواره خودشان پیشنهاد افزایش ارزش مادی جویز و هم‌ترازی جویز جشنواره فارابی با جشنواره خوارزمی را مطرح کردند و قرار شد مابه‌التفاوت آن را وزارت علوم تأمین کند.

از نظر جنابعالی چه رابطه‌ای میان جشنواره فارابی و تحول بنیادین در علوم انسانی برقرار است یا باید برقرار باشد؟

جشنواره‌ها در دنیا فقط برای شناسایی برترین‌ها و معرفی و تشویق آنها نیستند بلکه به طور غیرمستقیم و البته موثر به جریان علمی جهت می‌دهند. به بیان دقیق‌تر، جشنواره‌های علمی معتبر مانند جایزه نوبل، چه از طریق معرفی انواع استانداردها و به تبع آن، شاخص‌گذاری علمی، چه از جهت اولویت‌نمایی و چه از حیث الگوسازی و معرفی قله‌ها، سهم مهمی را در هدایت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های دنیا در حوزه علم برعهده دارند. انتخاب‌های یک جشنواره بزرگ علمی می‌تواند مرز علمی را معین کند و به اساتید و محققان آن را معرفی کند. درباره جشنواره بین‌المللی فارابی هم من چنین نظری دارم؛ جشنواره فارابی هر ساله تأثیر بسزایی در هدایت جریان علمی علوم انسانی دارد و باید اثرگذاری خود را به نحو ملموسی افزایش دهد.

در خصوص شاخص‌ها و ملاک‌های ارزیابی آثار علمی در جشنواره، تا چه حد دانش علم‌سنجی در دنیا مدنظر بوده است؟